



سنجش میزان بهره‌مندی شهروندان از حق بر شهر (نمونه موردی: شهر قزوین)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

فهیمة شکوه فر

گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. fahimeh.shokohfar@gmail.com

زهره داودپور

گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. zdavoudpour@yahoo.com
(نویسنده مسئول)

وحید بیگدلی راد

گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. vahid.bigdeli@qiau.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: حق بر شهر، مفهوم و چشم‌اندازی اصولی به منظور تدوین مبانی حق و عدالت در شهرهای معاصر، فراخوانی چالش برانگیز برای به چالش کشیدن مفاهیم بنیادین حقوق و مزایای شهروندان شهری، به عنوان نماد و آرمان حقوق بشر، در میان جوامع شهری تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد حق بر شهر به میزان بهره‌مندی شهروندان از آن، به تفکیک نواحی می‌پردازد.

روش پژوهش: حجم نمونه ۳۹۰ نفر از شهروندان در شهر قزوین و انتخاب نمونه با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توأم با طبقه‌بندی صورت گرفته است. برای این منظور از روش آماری رگرسیون ترتیبی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های تأثیر گذار بر حق بر شهر و آزمون کروسکال والیس به منظور مقایسه نواحی در نرم افزار R استفاده گردید. **یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد حق آسودگی فیزیکی بیشترین تأثیر و حق تولید و تکوین فضا کمترین تأثیر در میزان رضایتمندی را داراست.

نتیجه‌گیری: میتوان اینگونه تحلیل کرد که ساکنان شهر قزوین از کیفیت فضاهای شهری رضایت ندارند و سنجش این میزان از نارضایتی و توزیع میزان رضایت به منظور اولویت بندی‌ها در اصلاح فضاها در شهر از اهمیت بالایی در راستای افزایش میزان رضایت از حق بر شهر دارد، کمترین تأثیر نیز از بعد حق تولید و تکوین فضا بدست آمده که مشخصاً به دلیل عدم آگاهی شهروندان از حقوق خود و نحوه مطالبه آن نشأت می‌گیرد. همین طور می‌توان نتیجه گرفت که بین رضایتمندی از حق بر شهر در نواحی مختلف، اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: حق بر شهر، حق آسودگی فیزیکی، حق تولید و تکوین فضا، شهر قزوین

مقدمه

حق بر شهر، مفهوم و چشم‌اندازی اصولی به منظور تدوین مبانی حق و عدالت در شهرهای معاصر، به عنوان نماد و آرمان حقوق بشر، در میان جوامع شهری تبدیل شده است. بسیاری از نظریه پردازان و برنامه ریزان شهری به دانش در حال ظهور در این حوزه حیاتی، کمک می‌کنند تا حقوق شهروندی در شهرها، که تحت تاثیر صنعتی شدن قرار گرفته اند حفظ شود و منجر به ایجاد محله‌های محروم و حقوق نابرابر در شهرها نشود (Amin&Thrift 2002; Attoh 2011; Brenner al. 2012; Harvey 2008; Harvey & Potter 2009; Klodawsky& Blomley 2009; Marcuse 2010; Purcell 2002, 2003).

این حق اولین بار توسط لوفور (۱۹۹۶) مطرح شد، زیرا او معتقد بود، شهرها مورد تاخت و تاز سرمایه‌داری و صنعتی شدن قرار گرفته است و نتیجه آن رها کردن مردم محلات فقیرنشین، شهروندان بی‌سامان، جوامع طبقاتی، فضاهای آسیب پذیر و بهره برداری زمین خواران، در شهرها شده است. لوفور استدلال می‌کند، زمانی میتوان حق بر شهر را عملی نمود که شهروندان نظراتی منطقی در رابطه با مسائل شهری داشته باشند، اگرچه در شهرهای مدرن امروزی، مشارکت و حقوق مردم به شدت نادیده گرفته می‌شود. (Lefebvre 1996, 81-67 بر اساس این نظریه بزرگترین چالش شهرها و زندگی شهری امروز، منفعل شدن شهروندان و عدم مشارکت آنها در پروژه‌های شهری است که در آنها تاثیر گذارند و یا تاثیر می‌پذیرند. سوالی که در این زمینه وجود دارد این است که دلایل این انفعال و سکوت چیست؟ و پیش زمینه‌های ایجاد چنین موقعیتی در شهرها چیست؟

پاسخ چنین سوالاتی را در مباحث مرتبط با حق بر شهر یافت، حق بر شهر عنوان مطالعه ای است، از هنری لوفور در سال ۱۹۶۸، لوفور با طرح مفهوم حق بر شهر رویکردی نو و رادیکال نسبت به شهر ارائه داد و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش کشید (Mitchell 2003, 19). در سال ۱۹۶۸، لوفور، «حق بر شهر» را به عنوان «مطالبه و تقاضا» تعریف کرد و استدلال کرد که نمی‌تواند به سادگی به عنوان حق بازدید از شهر یا بازگشت به شهر سنتی آن را تعبیر کرد، همین طور تاثیرات منفی اقتصاد سرمایه‌داری بر شهرها را از جمله تبدیل شهرها به مکان انباشت سرمایه، توصیف کرده است (Lefebvre 1996)، حق بر شهر، استدلال می‌کند، سرمایه‌داری و نفوکاپالیستی، فضایی

انتزاعی که بازتابی از دنیای کسب و کار در سطح ملی و بین المللی، و همچنین قدرت پول و سیاست دولت است، ایجاد کرده اند (Hancock 2017, 1). بنابراین، حق بر شهر، فراخوانی چالش برانگیز برای به چالش کشیدن مفاهیم بنیادین حقوق و مزایای شهروندان شهری است که تبدیل به موضوعی کاربردی در جغرافیای سیاسی و شهری معاصر شده است (Dikeç 2002, Harvey 2008, Purcell 2002, Varsanyi 2008).

بیان مساله

حل مشکلات شهر، به مسایل اقتصادی، اجتماعی، ساختار سیاسی کشور مرتبط است. همینطور که مسائل اقتصادی تعیین کننده مسایل سیاسی است، بنابراین پیشنهاد حق بر شهر به عنوان پاسخی به مسائل شهری می‌باشد که هدف آن رفع بحران عملی و نظری و چالش هایی است که شهر مدرن با آن مواجه است. بسیاری از نظریه پردازان در زمینه برنامه‌ریزی و علوم شهری به کسب دانش در این زمینه حساس کمک کرده‌اند. حق بر شهر لوفور به عنوان عرضه و مطالبه، فراخوانی چالشی به منظور باز تعریف مفهوم دفاع از حقوق و مزایای شهروندان شهر تبدیل شده و بارها در مطالعات حوزه‌های مختلف شهری معاصر استفاده شده است.

لوفور نشان می‌دهد که برای رسیدن به یک جامعه بهتر، حق استفاده از شهر به جای مالکیت زمین یا ملزومات سرمایه شهری، باید به تصرف شهروندان و مشارکت شهری مرتبط باشد. این مفهوم از حق بر شهر به طور گسترده به منظور نقد شهرسازی معاصر، مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر شهر قزوین به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این شهر در سال‌های اخیر با رشد روز افزون و افزایش جمعیت شهری و به دنبال آن، ایجاد فضاهای شهری جدید، افزایش محدوده شهری و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های اجتماعی متعدد و تغییر ماهیت جمعیتی محدوده‌هایی از شهر را شاهد بوده است. با توجه به ترکیب جمعیتی اسکان یافته در شهر می‌توان گفت که امروزه اقشار و طبقات مختلفی در این شهر اسکان یافته‌اند. این افزایش جمعیت و سکونت اقشار مختلف جمعیتی موجب حرکت شهر به سمت غلبه سرمایه‌داری بر شهر شده و بنابراین کاهش مشارکت شهروندان و نهادهای اجتماعی در شهر را شاهدیم، این رشد روز افزون و اهمیت مطالعه در زمینه زندگی شهری زمینه ساز طرح مباحثی از جمله

مکان‌های مشارکتی جذاب و توانمند برای زندگی شهروندی فعالیت می‌کنند (Innocent 2020, 27) حق بر شهر، دیدگاهی است که بر رضایت شهروندان و نجات بشر به عنوان شخصیت اصلی سازنده شهر تاکید دارد. حق بر شهر از نظر لوفور از دو حق اساسی، حق برخورداری از فضا و حق مشارکت شهری، برای ساکنان تشکیل شده است. حق مشارکت شهری را نقش کلیدی داشتن شهروندان در تولید فضای شهری که توسط دولت، سرمایه و نهادهای چند جانبه، ایجاد می‌شود، تعریف می‌کند، و تاکید می‌کند، این نقش کلیدی در تمامی مقیاس‌ها از سطح جهانی تا ملی باید مورد توجه قرار گیرد و باید این نقش مرکزی و محوری باشد (Kipfer, Saberi & Wieditz 2013, Brenner, Marcuse & Mayer 2012، امیرآبادی زاده و حسومی ۱۴۰۰، ۳۲).

حق برخورداری نیز، بعد دیگر توجه، در نظریه حق بر شهر است، که از امکان بهره‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهر، خدمات شهری معنا شده و عوامل سه‌گانه نظارت و تصرف فضا، حق آسودگی فیزیکی، حق بهره‌مندی را در بر می‌گیرد و بیان می‌کند، انسان‌ها تصمیم نمی‌گیرند که فضایی را اشغال کنند، اشغال فضا بخش ناگزیر وجود هر موجود انسانی است و از این رو هرگونه فعالیت انسانی با پرکردن یک فضا ممکن می‌شود، بنابراین ویژگی‌های فضاهای پر شده می‌تواند محدودیت‌هایی را برای عمل انسان به بار بیاورد، که حق برخورداری، عدالت در این محدودیت‌ها را ساماندهی می‌کند (Kumar Vaddiraju 2016, 21, Varna) (2011, 68).

بنابر آنچه گفته شد، این پژوهش معتقد است که تحقق حقوق فردی در شهر می‌تواند به بهبود معیشت و سرمایه اجتماعی منجر شود، و در ادامه منافع جمعی را در قالب توزیع برابر ثروت و بهبود خدمات عمومی به ارمغان بیاورد، بر این اساس، حق بر شهر، یکی از ارزش‌ترین موارد حقوق بشری ماست که در عین حال مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. فضا صرفاً طبیعی نیست، مادی است، در حالی که انتظار می‌رود با محتویات پر شود، اما به لحاظ اجتماعی تولید می‌شود. فضا محصول پیچیده‌ای از عوامل و عناصر است که نشان می‌دهد، چگونه اشکال و ساختارهای فضایی خاص را می‌توان به عملکردها مرتبط ساخت و چگونه بر نحوه استفاده از فضا در زندگی روزمره شهروندان تاثیر گذار است. هر جامعه در هر دوره‌ای، فضای مورد نظر خود را برای

مفهوم حق بر شهر شده است. این نوشتار بر آن است تا با بهره‌گیری از تئوری حق بر شهر لوفور، علاوه بر تحلیل مفهوم حق بر شهر و ابعاد آن، در پی پاسخ به این سوال باشد که تا چه حد شهروندان شهر قزوین از حق بر شهر برخوردارند و اساساً نقش شهروندان از منظر خود در شهر چگونه است؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

حق بر شهر هنری لوفور در رابطه با توانایی مردم عادی برای دسترسی و استفاده از فضاهای شهری و به منظور درک پیچیدگی نابرابری و محرومیت هاست. ارزیابی استراتژی‌های شهری از نقطه نظر ساکنین با درآمد پایین، امکان مورد پرسش قرار دادن ساختار شهر، از نظر عقاید عمومی و الگوهای محرومیت و نادیده انگاشته شدن‌ها، در شهرها را مورد توجه قرار می‌دهد (Marcuse 2010, 191). در واقع حق بر شهر مربوط به توانایی یک فرد در استفاده از حق خود از منابع و فرصت‌ها در شهر، بهبود موقعیت اجتماعی خود و در نهایت بالا بردن سطح زندگی معنا می‌دهد (Allen Massingue 2021, 3) این حق که به عنوان یک حق جمعی درک می‌شود، لزوماً از آگاهی انتقادی از نابرابری‌های ساختاری شهری شروع می‌شود و در واقع مطالبه اجتماعی برای تصاحب و بازپس‌گیری فضاهای شهری است (Castro Seixas 2021) حق بر شهر یک مطالبه حقوقی نیست، بلکه مطالبه تمام جنبه‌هایی است که زندگی شهری را تشکیل می‌دهد. حق بر شهر، مطالبه دسترسی به مرکز شهر، فضای شهری، خدمات و شفافیت دولت است. لوفور بیان می‌کند که حق بر شهر فقط مطالبه از شهر در وضعیت فعلیش نیست، بلکه مطالبه شهر آینده است (Marcuse 2010, 193). حق بر شهر، حق عادی افراد برای سکونت، اختصاص دهی به خود و مشارکت در شکل دهی به فضای شهری است. حق بر شهر شامل حق ساکنان شهری است که از شهر و مرکز رانده شده‌اند و از ارتباطات، اطلاعات و مبادله، محروم شده‌اند (Edwards 2008, 28).

در این راستا، لوفور در ارتباط با نحوه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری مربوط به فضای شهر توضیح مختصری ارائه داده است، نحوه مشارکت در بحث تملک فضا گنجانده شده، بنابراین بیشتر به بحث حق مردم برای حضور فیزیکی در شهر می‌پردازد همین‌طور تاکید بر فرآیند مشارکتی همه جانبه، نگرانی مشترک محققانی است که در راستای برنامه ریزی شهرها، با هدف ایجاد

پروژه‌های شهری است. برون و کریستین سن (brown & Kristiansen 2009)، شهروندی شهری را شامل تمام افراد، فارغ از بومی بودن و بومی نبودن و اختلاف‌های فرهنگی، قومی، نژادی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، زبانی و تاریخی، می‌داند و شهروندان را ساکنان شهر می‌داند که از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند. (Coleman 2019). کاظمی و مظفری (۱۳۹۸، ۲۱). دیدگاه شهری لوفور را مورد بررسی قرار می‌دهد و جنبه‌های آرمان شهرگرایانه ی آن را آشکار می‌کند. جیمز (w. James 2013) از ایده ی حق بر شهر برای بررسی مشارکت شهروندان در شهر سیدنی استرالیا استفاده می‌کند. او با استفاده از مفاهیم دوگانه ی شهروند و ساکن شهر نشان می‌دهد که، نقش ساکنان شهر در فضاهای شهری چه به لحاظ مشارکت در توسعه ی شهری و چه به لحاظ حضور و استفاده از شهر بسیار محدود است. پیرس و ویلیامز و مارتین (Pierce et al. 2016) با بررسی بر روی مکان و مکان سازی و ارتباط آن با حق بر شهر استدلال می‌کند تفکر توامان در مورد حقوق و مکانها، بدان جهت که تناقضات میان رقابت بین حقوق و امتیازات در شهرها را منجر می‌شود، تحلیلی کارآمد ارائه می‌دهد. هرینگ دسا و دیگران (Hérick de Sá & other 2019) با بررسی حق بر شهر و تحرک انسان در سائو پائولو موارد حقوقی مرتبط با شهر، تاثیرات مطالبات بر تحرک شهری را مورد مطالعه قرار داده و نشان می‌دهد که شهرها به عرصه مبارزات سیاسی بین رشد اقتصادی ناپایدار و توسعه انسانی پایدار، تبدیل شده است. و بیان می‌کند سیاستگذاران و برنامه ریزان شهری باید شیوه‌های خود را به سمت سیاست‌های مشارکتی، جامع، فراگیر و پایدار هدایت کنند. دومرادزکا (Domaradzka 2019) با بررسی نقش فعالان حوزه شهری و توسعه در شهرهای لهستان در تلاش برای دستیابی به حق بر شهر، اثرات نئولیبرالی سازی در بخش سیاست شهری را مورد بازخوانی قرار داده و به عنوان نتیجه بیان می‌کند که چگونه روایت‌های غالب از طریق تعریف مجدد چارچوب "حق بر شهر" و ترکیب آن با دستور کار توسعه دهندگان شکل می‌گیرد. مطالعاتی نیز در زمینه بررسی مفهوم حق بر شهر و تلاش در زمینه بومی سازی آن به منظور سنجش حق بر شهر در حوزه‌های مختلف شهری در ایران آن انجام شده است، از جمله این مطالعات میتوان به مقاله ی «جایگاه شهروندان تهرانی در نردبان آرنستاین» شارع پور و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد که

پاسخگویی به نیازها و اولویت‌هایش می‌سازد. این کار برای اطمینان از انسجام اجتماعی، صلاحیت عملکردی و حمایت و حفظ قدرت و کنترل ایدئولوژیک و سیاسی است (Harvey 2008, 1978, Zieleniec 2017, 5)

اهمیت ساکن بودن در شهر، به این معنا است که یکی از موضوعات اساسی در هر حقی برای تجزیه و تحلیل شهر باید نقشی باشد که مسکن سازی در تسهیل یا زدودن ظرفیت ساکنان طبقه پایین برای زندگی در شهر ایفا می‌کند (Madden 2016, Harvey 2009)

Marcuse & تقاضا برای حق، از سوی جمعیت شهری سرچشمه می‌گیرد که نادیده گرفته شده اند و این حق آن‌ها، بر شهر است که پژوهشگران نگران آن هستند (Marcuse 2010, 191). مفهوم حق بر شهر لوفور چه در ادبیات داخلی و چه در ادبیات خارجی، از جنبه راه حل پردازی، کمتر مورد توجه بوده است و تعداد پژوهش‌هایی که به این مهم می‌پردازند محدود هستند. با این وجود مطالعاتی در زمینه‌ی چیستی حق بر شهر و ابعاد حق مشارکت شهروندی و حق برخورداری و عوامل تاثیرگذار بر آن، اخیراً در رشته‌های گوناگون توجه نسبی‌ای، صورت گرفته اما خلاهای موجود در ای زمینه به خصوص در ادبیات داخلی به چشم می‌خورد، بخشی از مطالعات انجام شده به شرح زیر است:

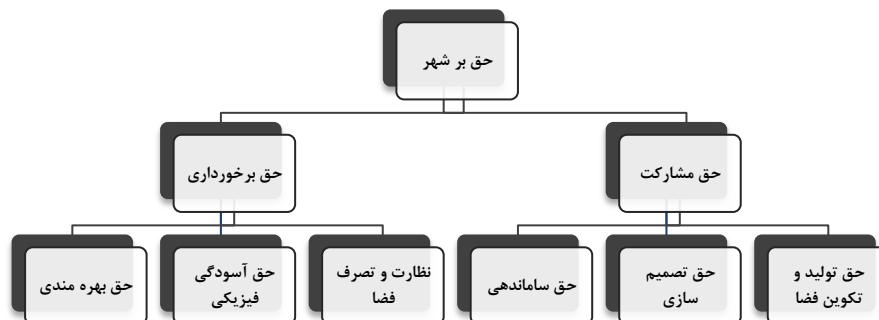
مفهوم حق بر شهر لوفور و سنجش آن در عرصه‌های مختلف شهر در مطالعات مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. پارنل و پترز (Parnell, Pieterse & Haysom 2018)، مسئله ی حق بر شهر جهانی را به عنوان موضوعی اخلاقی بررسی کرده اند، نتیجه گرفته اند حقوق شهروندی به دلیل غلبه ی سرمایه‌داری به طور ضعیفی درک شده است. بهان (Bhan 2009)، حق بر شهر را در شهر دهلی مورد بررسی قرار داده، و به این نتیجه می‌رسد که شهر دهلی اساساً فقرا را در زمره شهروندان رسمی به شمار نیاورده است و به ویژه بر سیاست‌های تخریب سکونت‌های غیررسمی فقرای شهری تمرکز دارد. پیندل (pindell 2006)، در بررسی انجام شده در خصوص کشور برزیل بیان داشت که، برزیل به عنوان نمونه ی کشوری که حق بر شهر را در مفاد قانون اساسی گنجانده و در سطح محلی از طریق برنامه‌های نوآورانه به کار می‌گیرد، کاربرد بالقوه حق بر شهر را بررسی می‌کند و بیان می‌کند با توجه به محدودیت‌ها، لزوم اجرای این قانون تعیین نشده بنابراین به طور کامل عملی نشده است، ولی با این وجود نتیجه نشان از رضایت چشمگیر شهروندان از طرح‌ها و

ساکنان در شهرها از منظر جنسیتی و ارتباط آن به زندگی روزمره در فضاهای عمومی شهری پرداخته و نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین شاخص‌های متغیرهای مستقل حق بر شهر با متغیر وابسته عدالت جنسیتی و اختلاف معنی‌داری در بهره‌مندی زنان و مردان از حق بر شهر وجود دارد. دولت‌شاه، سرور و توکلان (۱۴۰۰)، در مقاله تحلیلی بر شاخص‌های زیست‌پذیری با رویکرد حق بر شهر، مطالعه موردی: بندرماهشهر، با بررسی محلات مختلف از نظر میزان رضایت از بهره‌مندی از حق بر شهر، به عنوان نتیجه، بیان می‌کند، میزان رضایت از حق بر شهر ارتباط مستقیم با تراکم کم محلات و امکانات بهتر، دارد. این نوشتار با توجه به مبانی نظری با تحلیلی انتقادی از مفاهیم، چارچوبی را برای حق بر شهر به عنوان حقی متشکل از حقوق متمایز و درهم‌تنیده، عوامل سه‌گانه حق تولید و تکوین فضا، تصمیم‌سازی و ساماندهی را به عنوان ابعاد حق مشارکت و ابعاد نظارت و تصرف فضا، حق آسودگی فیزیکی و حق بهره‌مندی تأثیر گذار بر بعد حق برخورداری از حق بر شهر به شرح زیر ارائه می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی توسعه‌ای و از نظر روش انجام، پیمایشی می‌باشد، و از نوع توصیفی و تبیینی است و از روش تحقیق کمی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری مطالعه حاضر شهروندان ساکن شهر قزوین می‌باشند که طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت این شهر ۴۰۲۷۴۸ است. با استفاده از فرمول کوکران و درصد خطای مورد پذیرش ۰،۰۵، مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد با سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر ۱،۰۹۶، p نسبت برخورداری از صفت مورد

با سنجش بعد مشارکتی حق بر شهر در شهر تهران، با نگارش سازه‌ای مفهومی، بر حاکمیت گفتمان هژمونیک سرمایه، بر طراحی فضایی تأکید می‌کند، حبیبی و امیری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد»، خاستگاه فلسفی حق بر شهر را واکاوی کرده و بیان می‌کند حق بر شهر خواسته‌ای مدنی و قانونی است که از این سبب شاید بتوان گفت که برخی شکست‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران به دلیل نشناختن حق بر شهر است. معروفی و وحیدی برجی (۱۳۹۴) در مقاله «فضا و تحقق‌پذیری حق شهری» با هدف شناسایی هرگونه فعالیت کنترل فضایی با مفهوم حق بر شهر، نمودهای فضایی برآمده از مفهوم حق شهری را، کنترل فضایی، مرکزیت فضایی، تراکم فضایی، سیالیت فضایی و تداوم فضایی دانسته است و بیان می‌کند، حق شهری می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی پروژه‌های شهری قرار گیرد و همین‌طور مداخلات کلیدی به دلیل تغییر در شیوه زندگی و حقوق اجتماعی افراد و گروه‌ها تأثیری مستقیم بر حق شهری دارند. یغفوری و کاشفی (۱۳۹۷) در مقاله «ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر» با هدف ارزیابی حق بر شهر در شهر پیرانشهر، شاخص‌های شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی، حکمروایی و سرزندگی شهری را برای ارزیابی آزادی تغییر و بازساخت شهر مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که، نارضایتی شهروندان در دو مؤلفه حکمروایی شهری و دسترسی فضایی بیشتر می‌باشد و همین‌طور محلات شهر را نیز براساس میزان رضایت‌مندی ساکنان از حق بر شهر طبقه‌بندی کرده است. پورمحمدی، روستایی شهریور و پخشان (۱۳۹۸)، در مقاله تحلیل حق بر شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی در شهر ارومیه، حقوق



نمودار ۱: مولفه‌های تأثیر گذار بر حق بر شهر

اینکه مهمترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت آیتم) انتخاب شده است از شاخص نسبت روایی محتوا و برای اطمینان از این که آیت‌های ابزار به بهترین نحو جهت اندازه گیری محتوا طراحی شده‌اند از شاخص روایی محتوا استفاده شده است. جهت تعیین نسبت روایی محتوی به صورت کمی، تعدادی از متخصصین در مورد هر کدام از آیت‌های ابزار مورد استفاده به سه طیف آیتم شامل ضروری است، مفید اما ضروری نیست و ضرورتی به منظور بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوا^۱ و شاخص روایی محتوا^۲ بهره‌گیری شده است (Newman, et al. 2013)

$$CVR = \frac{n_E - \frac{V}{2}}{\frac{V}{2}}$$

$$CVI = \frac{n_E + Y}{V}$$

در این رابطه nE تعداد متخصصانی است که به گزینه "ضروری" پاسخ داده‌اند و V تعداد کل متخصصان است. N تعداد متخصصانی است که به گزینه "ضروری" پاسخ داده‌اند و Y تعداد متخصصانی است که به گزینه "مفید است اما ضروری نیست" پاسخ داده‌اند.

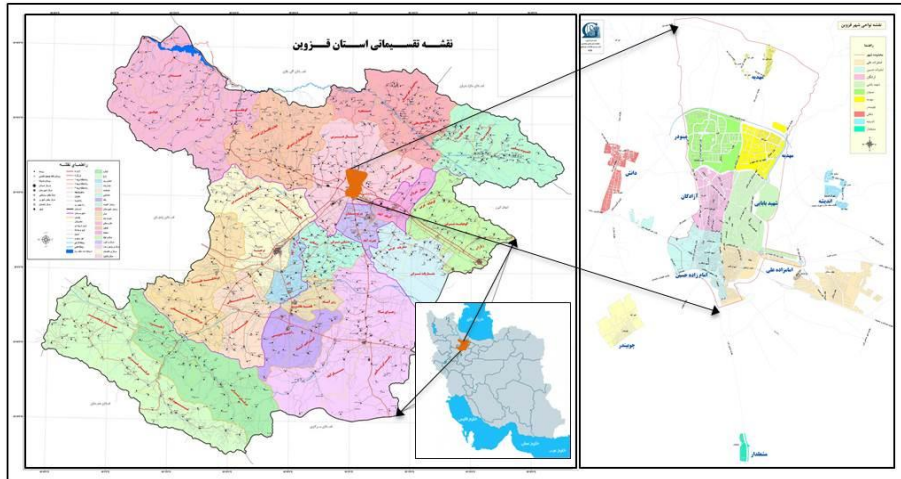
با توجه به انتخاب ۳۰ نفر متخصص در زمینه شهرسازی، سوالاتی که ضریب نسبی روایی محتوای بالای ۳۳ درصد و شاخص روایی محتوا بالای ۷۹ درصد داشته‌اند از روایی برخوردار بوده و باقی سوالات حذف شده‌اند. پس از حذف ۶ سؤال از پرسشنامه مجدد ۴ سؤال طراحی و طبق مراحل قبل پس از پرسش مجدد، پرسشنامه نهایی با ۳۷ سؤال تعیین گردید. به منظور تعیین ضریب آلفای کرونباخ، جهت تعیین پایایی آزمون پرسشنامه در جمعیت نمونه ۴۵ نفری برگرفته از جامعه آماری شهروندان شهر قزوین، که از طریق نمونه‌گیری انتخاب شده بودند توزیع شد و بر اساس نظر آنها با استفاده از نرم افزار SPSS 25.0.0.0، آلفای کرونباخ پرسشنامه حق بر شهر، بالای ۰.۷ محاسبه شد که بیانگر پایایی پرسشنامه طراحی شده می‌باشد.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ استاندارد شده

تعداد آیت‌ها	ضریب آلفای کرونباخ استاندارد شده
۷	۰/۸۲۴
۷	۰/۷۳۸
۱۲	۰/۷۸۹

نگارندگان، ۱۴۰۰

نظر برابر ۵، ۰ و q نسبت عدم برخورداری از صفت مورد نظر و برابر ۵، ۰ در نظر گرفته شده است، بنابراین حجم نمونه با اطمینان ۹۵ درصد جمعیت نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شده است، لازم به ذکر است تعداد ۴۰۰ پرسشنامه مورد پرسش قرار گرفت و نهایتاً ۳۹۰ پرسشنامه تحلیل شد (Cochran 1963: 75)، انتخاب نمونه با روش نمونه گیری احتمالی است که با نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای توأم با طبقه بندی^۱ صورت گرفته است. خوشه‌ها نیز مناطق آماری شهر قزوین در نظر گرفته شده‌اند. پرسشنامه محقق ساخت حق بر شهر شامل ۳۹ پرسش بود است که در آن پرسش‌های ۱ تا ۱۳ به بررسی ویژگی‌های زمینه‌ای و برخی مولفه‌های پژوهش و به شکل پرسش‌های باز طراحی شده است. گویه‌های ۱۳ تا ۳۹ که به بررسی مولفه‌های اصلی تحقیق پرداخته و از نوع گزاره‌های اخباری مثبت و منفی است که پاسخگویان در بخش پاسخ‌ها، در قالب طیف لیکرت ۵ طبقه‌ای میزان موافقت خود را با آن اعلام کردند. با توجه به مولفه‌های مطرح شده ۳ پرسش با موضوعات برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی، کیفیت و عملکرد حمل و نقل و اشتراک فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی در رابطه با متغیر تولید و تکوین فضا، آشنایی با نهادهای اجتماعی، رضایت از فیزیک فضاهای شهری و مشارکت تمام اقشار در تصمیم‌گیری برای سنجش متغیر تصمیم‌سازی و دو پرسش در رابطه با دخالت مردم در طراحی و برنامه‌ریزی فضای زندگی‌شان و رضایت از فضاهای عمومی معرف متغیر ساماندهی هستند. گویه‌های مولفه نظارت و تصرف فضا شامل، تامین هزینه‌های مسکن برای اقشار مختلف شهر، اطلاع از تمامی پروژه‌های عمرانی شهر قبل از اجرا و عملی شدن نظرات شهروندان برای ساخت و ساز و بهبود محل زندگی می‌باشد، گویه‌های معرف آسودگی فیزیکی شامل، وجود فضاهای عمومی شهر برای تمامی اقشار، احساس امنیت جهت حضور در فضاهای شهری در شب، امنیت حضور کودکان در فضای شهری به تنهایی و کم بودن امکان رخ داد تصادف و یا آسیب جسمی در زمان حضور به صورت پیاده در فضای شهری است، گویه‌های مناسب سازی شهر برای معلولان، عدم وجود محدودیت برای حضور جنسیت و سن‌های مختلف در فضاهای شهری، همخوانی دارآمد شهروندان با هزینه‌هایشان، دسترسی متناسب به امکانات بهداشتی، تفریحی، خدمات و آموزشی شهر و توزیع عادلانه خدمات در شهر معرف متغیر حق بهره‌مندی است. در ادامه جهت اطمینان از



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شهر قزوین
(منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قزوین ۱۴۰۱)

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی یافته‌ها، ابتدا به بررسی یافته‌های زمینه‌ای پژوهش پرداخته سپس آزمون‌های آماری را بررسی خواهیم کرد. زمین‌پژوهش به طور خلاصه، میانگین سنی پاسخگویان ۴۲ سال و رده پاسخگویان از ۱۸ تا ۶۵ سال است. میانگین زنان مورد پژوهش ۳۳ سال و میانگین سنی مردان ۳۹ سال است. طبق سرشماری ۱۳۹۵، نسبت جنسیتی ۱۰۲،۳۴ می‌باشد، ۲۲،۳ درصد از پاسخگویان مجرد و ۷۷،۲ نفر از آن‌ها متأهل بوده‌اند. وضعیت توزیع تحصیلات در جمعیت نمونه، نشان داده است که ۱۰،۵ درصد پاسخگویان تحصیلات زیر دیپلم، ۳۵،۴ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۵،۴ درصد تحصیلات لیسانس و ۲۴،۴ درصد پاسخگویان تحصیلات فوق لیسانس و ۴،۴ درصد پاسخگویان تحصیلات دکتری و یا بالاتر هستند، ۸۰ درصد پاسخ دهندگان شاغل و باقی بیکار بوده‌اند.

بر اساس خط فقر محاسبه شده از نرخ تورم و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی اعلام شده برای سال ۱۴۰۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی، و بعد از آنوار ۳،۱۶ بر طبق سرشماری سال ۱۴۰۰، عدد ۱۱ میلیون تومان برای هزینه‌ها مشخص شده است، به دلیل احتمال اعتماد بیشتر به مبلغ اعلام شده برای هزینه‌ها در نسبت با عدد اعلام شده برای درآمد، این شاخص مورد نظر این تحقیق قرار گرفته است و ۶۸ درصد پاسخگویان بیش از این مبلغ را هزینه می‌کنند، ۴۴،۶ درصد از پاسخگویان دارای ملک به نام خود بوده‌اند و بیش از نیمی از پرسش‌شونده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار R 3.3.0، از تکنیک‌های آماری رگرسیون ترتیبی، جهت سنجش بهره‌مندی شهروندان، از حق بر شهر و از آزمون معادل‌ناپارامتری آزمون تحلیل واریانس، کروسکال وایس، به منظور مقایسه نواحی و سپس تحلیل ارتباط آن با میزان رضایت از حق بر شهر بهره گرفته شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر قزوین، مرکز استان و شهرستان قزوین و در دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز و مختصات جغرافیایی $50^{\circ}00'$ طول شمالی و $36^{\circ}15'$ عرض شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. اتوبان تهران - زنجان از شمال شهر و راه هن تهران - زنجان نیز از جنوب شهر می‌گذرد. شهرهای محمدیه، بیدستان و شهرک صنعتی البرز در شرق، شهرک صنعتی لیا در جنوب، شهر اقبالیه در جنوب غربی و شهر محمود آباد نمونه در شرق شهر قزوین واقع شده‌اند. دشت قزوین، بخش‌های غربی، شرقی و جنوبی شهر را فرا گرفته است. این شهر طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، دارای جمعیت ۴۰۲۷۴۸ نفر و مساحت ۶۴/۱۳۲ کیلومتر مربع بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بر اساس ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی چهار نوع بافت و طبقه اجتماعی در این شهر وجود دارد، بنا براین یکی از مهمترین دلایل انتخاب شهر قزوین به عنوان نمونه موردی، دارا بودن تنوع طبقات اجتماعی می‌باشد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی قزوین ۱۴۰۱)

دارای مسکن شخصی هستند، ۷۲٫۶ درصد از افراد از وسیله نقلیه عمومی به طور غالب استفاده نمی‌کنند.

به منظور به آزمون گذاشتن نظریه حق بر شهر، از مدل تحقیق که در نمودار شماره یک به آن اشاره شد، با استفاده از تحلیل رگرسیون ترتیبی بهره گرفته شده است. هدف از به آزمون گذاشتن این نظریه آن است که، آیا حق بر شهر تابعی از شش متغیر مستقل، آسودگی فیزیکی، حق ساماندهی، حق بهره‌مندی، نظارت و تصرف فضا، حق تصمیم سازی و حق تولید و تکوین فضا شناسایی شده می‌باشد یا خیر. در این راستا متغیرهای لازم برای انجام رگرسیون را که با استفاده از پیمایش آماده شده است مورد استفاده قرار گرفته شد.

پیش از انجام رگرسیون ترتیبی لازم است به آزمون پیش فرض‌های رگرسیون بپردازیم تا امکان استفاده از این تحلیل مشخص شود. مفروضات رگرسیون ترتیبی عبارتند از:

متغیرهای پیش بینی کننده (مستقل) می‌تواند پیوسته یا طبقه بندی شده باشد، متغیر وابسته پیوسته باشد، متغیرهای پیش بینی کننده لزومی ندارد که توزیع نرمال داشته باشد، بین دو یا تعداد بیشتر متغیرهای پیش‌بینی‌کننده (مستقل) ارتباط خطی وجود نداشته باشد^۵ واریانس یکنواخت^۶ باشد، حجم نمونه مورد نیاز در این روش تحلیل چند متغیره ۵۰ نفر به ازای هر متغیر مستقل وارد شده در مدل باشد، طبقات باید دارای اولویت بندی باشد، بر اساس تست دوربین وستون^۷ باید بین مقدار باقیمانده^۸ همبستگی اتومات وجود نداشته باشد، باقیمانده دارای توزیع نرمال باشد و ارتباط بین متغیر وابسته و غیر وابسته خطی یا شبیه به آن باشد.

از آنجا که روش رگرسیون ترتیبی به نرمال بودن توزیع و همسانی واریانس‌ها در هر گروه حساسیت ندارد لذا کاربرد آنها در برآورد تغییرات متغیر وابسته قدرتمند تر از روش‌های دیگر است. بنابراین با توجه به اینکه متغیر وابسته که میزان رضایت از حق بر شهر است به صورت گسسته است استفاده از روش‌های رگرسیونی مبتنی بر حداقل مربعات در اینجا مفهومی ندارد لذا باید از روش‌های لجیت استفاده کرد که با توجه به ماهیت

ترتیبی متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک ترتیبی استفاده می‌شود. در رابطه با شرط تعداد پرسش شونده، با توجه به تعداد حجم نمونه مناسب می‌باشد، متغیرها نیز دارای طبقات اولیت بندی شده هستند. تست دوربین وستون به منظور تایید پیش فرض به صورت زیر انجام گرفت:

اماره دوربین وستون = ۱۶۴۵۳ = مقدار احتمال = ۰٫۰۰۰۲۰۴۶
 > تست اماره خود همبستگی
 اماره خود همبستگی اماره دوربین وستون مقدار احتمال
 ۰٫۱۷۷۲۶۵۳ ۱۶۴۵۳۴۷

مقدار ۱٫۶۵ برای پاسخ تست با توجه به آنکه بازه تست برای نشان داد همبستگی اتومات، ۱٫۵ تا ۲٫۵ است، و مقدار احتمال دارای همبستگی اتومات نیستند بنابراین پیش فرض مورد نظر نیز برقرار می‌باشد. سپس به منظور بررسی طبقات متغیرهای مستقل و اطمینان از وضعیت توزیع مقادیر میان طبقات بررسی شد.

همان طور که از جداول مشخص است در تمامی متغیرهای مستقل تحقیق بیشترین مقدار مربوط به ۱ که معرف رضایت کم است می‌باشد. انحراف معیار مفهومی است که میزان پراکندگی داده‌های یک مجموعه را مشخص می‌کند و بدین جهت یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های آماری در زمینه آمار توصیفی به حساب می‌آید. اگر میانگین برآوردی از نقطه ثقل توزیع داده‌های یک مجموعه به دست می‌دهد، و از این رو مقیاسی تک بعدی برای برآورد یک مجموعه داده‌ها فراهم می‌سازد، می‌توان گفت که انحراف معیار نیز میزان پراکندگی داده‌ها از نقطه میانگین را نشان می‌دهد و از این رو مقیاسی دوبعدی برای برآورد توزیع داده‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد، میزان انحراف معیار هر کدام از متغیرهای مستقل بهره گرفته شده است:

انحراف معیار مشابه در متغیرها بیانگر آن است که پراکندگی داده‌ها در تمامی متغیرها مشابه هم بوده و حدوداً در تمامی متغیرها ۶۸ درصد داده‌ها پراکندگی بین ۱٫۵ تا ۲٫۵ داشته اند.

جدول ۲: انحراف معیار متغیرهای مستقل

انحراف معیار (حق تولید و تکوین فضا)	انحراف معیار (حق تصمیم سازی)	انحراف معیار (حق ساماندهی)
۰٫۵۳۲۶۵۸۹	۰٫۶۰۳۳۱۶۳	۰٫۵۱۶۷۱۰۴
انحراف معیار (حق نظارت و تصرف فضا)	انحراف معیار (حق آسودگی فیزیکی)	انحراف معیار (حق بهره‌مندی)
۰٫۴۷۹۲۲۳۶	۰٫۵۴۵۲۳۷۸	۰٫۴۴۰۵۲۳۶

نگارندگان، ۱۴۰۰

صورت افزایش انحراف استاندارد در رضایتمندی حق ساماندهی، رضایتمندی حق بر شهر ۰.۷۳ انحراف استاندارد بالاتر خواهد رفت. در رابطه با متغیرهای حق نظارت و تصرف فضا، حق آسودگی فیزیکی و حق بهره‌مندی به ترتیب، رضایتمندی حق بر شهر، ۰.۷۵، ۰.۵۰ و ۱.۳۲ انحراف استاندارد بالاتر خواهد رفت. بنابراین با توجه به تفسیر نتایج حق بهره‌مندی بیشترین تاثیر و حق آسودگی فیزیکی کمترین تاثیر دز میزان رضایتمندی را داراست.

برای متغیرهای ترتیبی دو ضریب مختلف برای هر سطح وجود دارد. یکی برای تفاوت بین ۱ و ۲ برای متغیرهای مستقل، و دیگری برای تفاوت بین ۲ و ۳، که منطقی است، زیرا شانس برای ۲ | ۱ و ۳ | ۲ برابر نیست. بنابراین در این موقعیت: احتمال ۳ در برابر ۱-۲ در رتبه بندی ۰.۵۷۴۰ بدست آمده و احتمال متغیر ۲ در برابر ۲-۳ در رتبه بندی ۱.۸۶۱۲- می‌باشد. سپس با ضریب آستانه بدست آمده، آستانه بین دو متغیر را میتوان بررسی کرد. ضریب ۱ | ۲ احتمال دریافت یک رده بندی برابر با ۲ و ۳ است، ضریب ۲ | ۳ احتمال دریافت یک یا ۲ برابر با ۳ یا ۴ است. از آنجا که می‌توانیم از فرمول ارایه‌شده در بالا برای محاسبه احتمال لجستیک‌ها استفاده کنیم، و در نتیجه احتمال تمديد، از دریافت یک امتیاز خاص یا کم‌تر برای هر مقدار متغیر پیش‌بینی‌کننده استفاده کنیم. همچنین با گسترش خروجی‌ها، نسبت احتمالات لگاریتم دریافتی از نرخ دقیق، بدست می‌آید.

این روش به مقادیر کوچک یا سلول‌های خالی حساس بوده و مدل در این حالت به خوبی اجرا نمی‌شود. بنابراین، ابتدا وضعیت توزیع متغیرها به تفکیک سلول‌ها بررسی شد.

به منظور بررسی تاثیر متغیرهای مستقل تحقیق در ابتدا مدل تجمیعی مورد توجه قرار گرفت، این مدل به منظور بررسی احتمال تجمعی رتبه i است که در رده j یا زیر آن قرار دارد، جایی که تمام مشاهدات ($n=390$)، $j = 1$ ، را نشان می‌دهد...، J مقادیر پاسخ‌ها ($J = 3$) و θ_j ، آستانه برای لجستیک تجمعی، مراحل انجام مدل به شرح جدول شماره ۳ است.

خروجی مدل در دو جدول خلاصه شده است:

یک جدول برای مقادیر مرتبط با متغیرهای رگرسیون و دیگری در رابطه با آستانه یا نقاط جدایی است. معمولا آستانه‌ها از اهمیت زیادی در تحلیل‌ها برخوردار نیستند، اما بخش جدایی ناپذیری در مدل هستند. شاخص بعدی میزان برآورد هر متغیر است. همانگونه که از مقادیر میزان احتمال هریک از متغیرها دیده می‌شود هر شش زیرمقیاس، به صورت معناداری حق بر شهر را پیش‌بینی می‌کنند. در تفسیر این یافته‌ها اینگونه مطرح می‌شود که با افزایش یک انحراف استاندارد در رضایتمندی از حق تولید و تکوین فضا، رضایتمندی حق بر شهر ۰.۵۱ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش یک انحراف استاندارد در رضایتمندی حق تصمیم سازی، رضایتمندی حق بر شهر ۰.۹۱ انحراف استاندارد بالاتر خواهد رفت و در

جدول ۳: ضریب همبستگی متغیرهای مستقل

ضریب همبستگی			
ضریب معناداری	میزان احتمال	انحراف استاندارد	میزان برآورد
* ۰.۰۳۹۱۹	۲.۰۶۲	۰.۲۴۵۳۰	۰.۵۰۵۸۴
۹.۵۸۵-۰۵***	۳.۹۰۱	۰.۲۳۳۶۹	۰.۹۱۱۶۴
۰.۰۰۸۶۲**	۲.۶۲۷	۰.۲۷۷۶۶	۰.۷۲۹۳۸
۰.۰۲۷۶۴*	۲.۲۰۲	۰.۳۳۸۲۰	۰.۷۴۴۸۵
۰.۰۲۹۲۰*	۱.۵۰۱	۰.۳۳۴۸۵	۰.۵۰۲۴۴
۸.۹۷۵-۰۵***	۳.۹۱۷	۰.۳۳۷۸۵	۱.۳۲۳۲۹
۰.۱' ۰.۰۵' ۰.۰۱' * ۰.۰۱' ** ۰.۰۰۱' ***: ضرایب معنی‌داری			

نگارندگان ۱۴۰۰

جدول ۴: ضریب آستانه

ضریب آستانه ^۹			
میزان احتمال	خطای استاندارد	میزان برآورد	
-۷.۱۸۵	۰.۲۵۹۰	-۱.۸۶۱۲	۲ ۱
۲.۵۴۷	۰.۲۲۵۳	۰.۵۷۴۰	۳ ۲

نگارندگان، ۱۴۰۰

حرکت از یک طبقه تمایل به طبقه بعدی قائل شد. ضریب $0/23$ متغیر حق تولید و تکوین فضا پایین‌ترین میزان ضریب را دارا است، که معنی‌دار نیز هست و نشان می‌دهد که با افزایش یک واحدی رضایتمندی، ضریب ارتقا از یک طبقه به طبقه بالاتر به $0/23$ افزایش می‌یابد. مدل رگرسیونی حق بر شهر:

$$1,60 (\text{آسودگی فیزیکی}) + 1,21 (\text{حق ساماندهی}) + 1,16 (\text{حق بهره‌مندی}) + 1,05 (\text{نظارت و تصرف فضا}) + 0,66 (\text{حق تصمیم‌سازی}) + 0,23 (\text{حق تولید و تکوین فضا})$$

در معادله‌ی خطی رگرسیونی از ضرایب استاندارد نشده استفاده شده است. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره در راستای اهداف اول و دوم این پژوهش قرار دارد چرا که چنانچه مشاهده شد، چهارچوب نظری هائری لوفور پیرامون مفهوم «حق بر شهر» به عنوان یک ابزار نظری مناسب در زمینه‌ی پژوهش‌های شهری ایران قابل استفاده است. هدف دوم پژوهش نیز که «آزمون نظریه‌ی حق بر شهر لوفور در بستر شهری ایران و بررسی امکان تعمیم‌دهی این نظریه به زمینه‌ی شهری ایران» تعریف شده بود، که این هدف نیز در این بخش محقق شد.

سطح بندی نواحی شهری بر اساس میزان رضایت از حق بر شهر

یکی از اهداف مورد اشاره در تحقیق حاضر تعیین تاثیر فضا در میزان رضایت از حق بر شهر بوده است. بررسی ادبیات داخلی و خارجی در این حوزه بیانگر اهمیت این مهم می‌باشد. از موثق‌ترین روش‌ها به منظور بررسی تاثیر ناحیه سکونت با این تفسیر که شهروندان معمولاً از فضاهای نزدیک به فضای سکونت خود به منظور بهره‌مندی از خدمات مکمل سکونت استفاده می‌کنند و بنابراین بیشترین زمان بهره‌مندی آن‌ها از

فضای عمومی درون ناحیه سکونتی خود شکل می‌گیرد، بر رضایت مندی از حق بر شهر، بهره‌گیری از آزمون تحلیل واریانس است که به اختصار آنوا^{۱۲} نامیده می‌شود، از آن جهت که داده‌های مربوط به نواحی اسمی و داده‌های مربوط به حق بر شهر ترتیبی است، بنابراین از آزمون معادل ناپارامتری آزمون تحلیل واریانس، با نام کروسکال والیس^{۱۳} بهره گرفته شده است. ضریب کروسکال نیز برای ارزیابی شدت رابطه بین متغیرهایی که هر دو اسمی یا یکی اسمی و دیگری رتبه‌ای باشد، به کار می‌رود. این ضریب نسبت به تعداد مقوله‌های متغیرها محدودیت ندارد.

ابتدا به منظور بررسی وجود و یا عدم وجود تاثیر نواحی سکونت بر احساس رضایت مندی از حق بر شهر، مطابق جدول شماره آزمون آماری انجام شده است. با اجرای این دستورات میانگین و انحراف استاندارد رضایت از حق بر شهر بر اساس نواحی مشخص می‌کنند، محاسبه شده و در خروجی ظاهر خواهد شد با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد، واریانس یا انحراف استاندارد مناطق با یکدیگر متفاوت است.

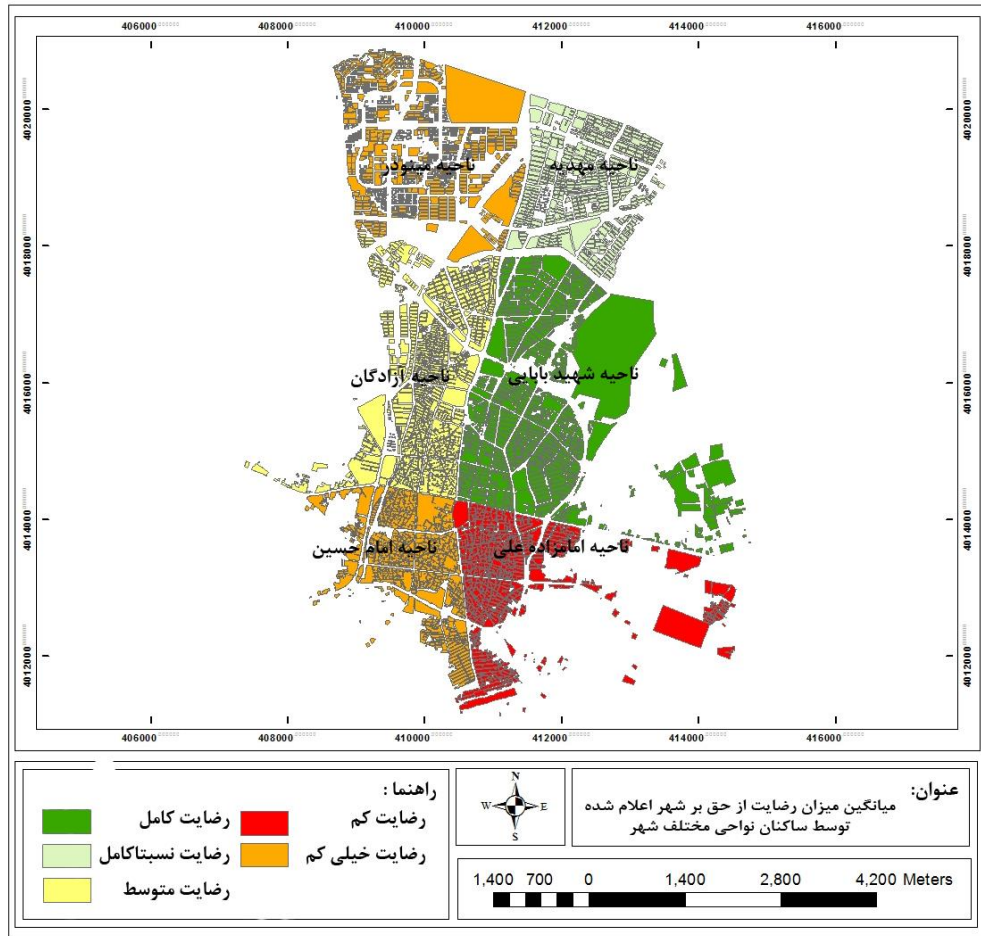
در واقع می‌خواهیم بدانیم که آیا بین میانگین رضایتمندی از حق بر شهر در نواحی ششگانه شهری تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا خیر این آزمایش را می‌توان با استفاده از عملکرد کروسکال به شرح زیر انجام داد:

3 ، =درجه آزادی $17,614$ = کروسکال والیس $0,0005283$ = مقدار احتمال از آنجا که مقدار احتمال، $0,0005283$ و کمتر از سطح معنی‌داری $0,05$ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین رضایتمندی از حق بر شهر در نواحی مختلف، اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد به تفکیک نواحی

نام منطقه	تعداد از موده	میانگین	انحراف معیار	میان	دامنه بین چارکی
ناحیه امامزاده حسین	۵۲	۱,۱۸	۰,۳۸۶	۱	۱
ناحیه امامزاده علی	۴۹	۱,۱۴	۰,۳۷۲	۱	۱
ناحیه شهید بابایی	۷۸	۱,۲۵	۰,۴۵۹	۱	۰
ناحیه آزادگان	۹۶	۱,۱۹	۰,۴۰۸	۱	۱
ناحیه مهدیه	۶۳	۱,۴۵	۰,۶۲۴	۱	۰
ناحیه مینودر	۵۲	۱,۴۹	۰,۶۴۰	۱	۱

نگارندگان، ۱۴۰۰



شکل ۲: میانگین میزان رضایت از حق بر شهر اعلام شده توسط ساکنان نواحی مختلف شهر (منبع: نگارندگان)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

برای شهروندانی که رویای تولد شهری جدید و مردمی تر را در سر می‌پرورانند، حق بر شهر که مبتنی بر سیاست شهری ساکنان است، می‌تواند نوید بخش باشد. در بسیاری از شهرهای سراسر جهان، شاهد رشد و علاقه به طیفی از شیوه‌های شهری، خرد فضایی هستیم که در حال تغییر شکل فضاهای شهری هستند. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد: نقش زدن‌های اجتماعی مانند گل کاری‌های جمعی اهالی محله، خرده فروشی، بکارگیری فضاهای خالی برای اهداف موقت (فضاهای انعطاف پذیر)، شیوه‌های خرده فرهنگی مانند هنر خیابانی اشاره نمود. حق بر شهر گامی موثر در تغییر شکل فضاهای شهری دارد، بنابراین مقاله حاضر در راستای این سبک شهرسازی‌های شهروند محور از منظر «حق بر شهر» می‌پردازد و با بررسی میزان بهره‌مندی شهروندان از حق، به دنبال نحوه دستیابی به این هدف

از نتیجه آزمون کروسکال، می‌دانیم که بین گروه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد، اما نمی‌دانیم که کدام زوج گروه‌ها متفاوت هستند. بنابر این از تابع پیرواس ویلکس^{۱۴} برای محاسبه مقایسه جفت بین سطح رضایتمندی در مناطق استفاده شده است و نتایج مقایسه زوجی نشان می‌دهد که، نواحی امامزاده حسین و مینودر، شهید بابایی و مهدیه، تفاوت معنی‌داری ندارند ($p > 0.05$)، بنابراین فرض تفاوت بین نواحی در بهره‌گیری از حق بر شهر وجود دارد.

طبق بررسی پرسشنامه و شاخص میانگین میزان رضایت از حق بر شهر به تفکیک نواحی، نقشه شماره یک تهیه شده است، میزان رضایت از بهره‌مندی شهروندان از حق بر شهر در نواحی مختلف و در نسبت با هم، نشان می‌دهد که ساکنان نواحی شهید بابایی و مهدیه دارای بیشترین احساس بهره‌مندی از حق بر شهر هستند.

است. مقاله استدلال می‌کند که برای اینکه شیوه‌های شهرسازی شهروندان محور شکل بگیرد، نیاز است میزان احساس شهروندان از برخورداری از حق خودشان بر شهر بررسی شود تا با تقویت ابعاد مختلف حق بر شهر که شهروندان رضایت کمتری از برخورداری آن دارند، این مهم ارتقا یابد.

در این راستا با بررسی میزان بهره‌مندی شهروندان از حق بر شهر، نشان داده شد که، با افزایش رضایتمندی از حق آسودگی فیزیکی، حق تصمیم‌سازی، حق نظارت و تصرف فضا، حق ساماندهی، حق تولید و تکوین فضا، حق بهره‌مندی، حق نظارت و تصرف فضا، به ترتیب، میزان رضایت از حق بر شهر نیز افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تفسیر نتایج، حق آسودگی فیزیکی بیشترین تأثیر و حق تولید و تکوین فضا کمترین تأثیر در میزان رضایتمندی را داراست. نتایج مشابهی هم از مطالعه پورمحمدی (۱۳۹۸) با مطالعه موردی شهر ارومیه به دست آمده است، با این تفاوت که در تحقیق حاضر بیشترین تأثیر منتج از بعد آسودگی فیزیکی بوده و در تحقیق ذکر شده، در بعد حق مشارکت، و با توجه به نتایج ارزیابی کم رضایت از حق بر شهر و بالاترین میزان تأثیرگذاری مربوط به متغیر آسودگی فیزیکی می‌توان اینگونه تحلیل کرد که توزیع مناسب فضاهای عمومی در شهر و امکان استفاده از آن در امنیت و ایمنی کامل در تمامی ساعات شبانه روز برای ساکنان شهر قزوین، از اولویت بر خوردار می‌باشد و این مهم نشان از عدم رضایت شهروندان از کیفیت فضاهای شهری بوده است، بنابراین سنجش این میزان از نارضایتی و توزیع میزان رضایت به تفکیک نواحی شهر، به منظور اولویت بندی‌ها در اصلاح فضاهای عمومی در شهر، باید در دستور کار مدیران شهری به منظور افزایش میزان رضایت شهروندان، قرار گیرد، زیرا حق بر شهر را می‌توان در معنای وسیع آن دسترسی مساوی هر ساکن شهر به فضای شهری و تمامی مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره ارائه شده توسط شهر و مشارکت در کلیه فرآیندهای تصمیم‌گیری و برخورداری از آن توصیف کند. در این چارچوب، حق بر شهر، تحول بنیادین روابط اجتماعی و اقتصادی و فرآیندهای سیاسی فضای شهری را متصور است که فراتر از تحقق حقوق بشر در سطح محلی است. کمترین تأثیر نیز از بعد حق تولید و تکوین

فضا بدست آمده است که مشخصا به دلیل عدم آگاهی شهروندان از حقوق خود و نحوه مطالبه آن نشات می‌گیرد. همانطور که در مطالعه پیندل (۲۰۰۶) در رابطه با کشور برزیل اشاره شد، با این تفسیر که به دلیل وجود اختلاف طبقاتی بسیار زیاد، قوانین حق بر شهر در قانون اساسی آن ذکر شده و توسط حکومت محلی اجرا می‌شود، حتی با وجود عملی نشدن صد در صدی به دلیل عدم وجود الزام اجرا، میزان رضایت از فضاهای شهری به دلیل افزایش آگاهی شهروندان از حقوق خود، رو به افزایش است.

به طور کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که، عدم کفایت محل سکونت، مبنای عدم دستیابی به این حق است، در این راستا یکی از اهداف مورد اشاره در تحقیق حاضر تعیین تأثیر فضا در میزان رضایت از حق بر شهر بوده است. بررسی ادبیات داخلی و خارجی در این حوزه بیانگر اهمیت این مهم می‌باشد. از موثق‌ترین روش‌ها به منظور بررسی تأثیر ناحیه سکونت با این تفسیر که شهروندان معمولا از فضاهای نزدیک به فضای سکونت خود به منظور بهره‌مندی از خدمات مکمل سکونت استفاده می‌کنند و بنابراین بیشترین زمان بهره‌مندی آن‌ها از فضای عمومی درون ناحیه سکونتی خود شکل می‌گیرد، ابتدا به منظور بررسی وجود و یا عدم وجود تأثیر نواحی سکونت بر احساس رضایت مندی از حق بر شهر، می‌توان نتیجه گرفت که بین رضایتمندی از حق بر شهر در نواحی مختلف، اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

طبق بررسی میزان رضایت از بهره‌مندی شهروندان از حق بر شهر در نواحی مختلف و در نسبت با هم، نشان می‌دهد که ساکنان نواحی شهید بابایی و مهدیه دارای بیشترین احساس بهره‌مندی از حق بر شهر هستند، که این نتیجه گواهی بر نتیجه اعلام شده می‌باشد زیرا، اصول شهرسازی در دو ناحیه ذکر شده، بیشتر رعایت شده است، بنابراین پیشنهاد کاربردی مقاله این خواهد بود که با بررسی میزان مطلوبیت فضاها و ارتباط آن با حق بر شهر و سپس اولویت بندی فضاها در جهت بهبود آن، گامی موثر در افزایش رضایت از حق بر شهر داشت که در مقاله بعدی در همین راستا به آن پرداخته خواهد شد. نتایج مشابهی نیز در رابطه با شهر پیرانشهر در مطالعه یغفوری و کاشفی دوست بدست آمده است که

پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس، نشریه مطالعات شهری، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۴.

یعقوبی، حسین، کاشفی دوست، دیمین. (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۳۵)، ۵۷-۶۸.

AllenMassingue, Suzanna, Oviedo. Daniel., (2021). Walkability and the Right to the city: A snapshot critique of pedestrian space in Maputo, Mozambique. *Research in Transportation Economics*. 86.

Attoh. Kafui.A., (2011). What Kind of Right is the Right to the City? *Progress in Human Geography* 35: 669-685.

Bhan, Gautam. (2009)., This is no longer the city I once knew. *Evictions, the urban poor and the right to the city in millennial Delhi, Environment and urbanization*.

Brenner, Neil., Marcuse, Peter., & Mayer, Margit. (Eds.). (2012). *Cities for people, not for profit: Critical urban theory and the right to the city*. London: Routledge.

Castro Seixas Eunice, (2021) *Urban (Digital) Play and Right to the City: A Critical Perspective*. *Front. Psychol.* 12:636111. doi: 10.3389/fpsyg.2021.636111.

Coleman, Nathaniel., (2019). *The Routledge Handbook of Henri Lefebvre, The City and Urban Society*, 1st Edition, City and Urban Planning, Routledge, ISBN 9781315266589.

Cochran, William. G. (1963). *Sampling Techniques*. New York: John Wiley and Sons, Inc.

Dikeç. Mustafa., Gilbert, Liette., (2002), *Right to the City: Homage or a New Societal Ethics? Capitalism Nature Socialism*, 13(2), pp58- 74.

Domaradzka, Anna., (2019), *The un-equal playground: Developers and urban activists struggling for the right to the city*, Geoforum, <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2019.01.013>

Edwards Mary M., (2008), *Understanding the Complexities of Annexation*. *Journal of Planning Literature*. 2008;23(2):119-135.

نشان می‌دهد با بهبود مدیریت شهری میتوان میزان رضایت از حق بر شهر را افزایش داد.

لازم به ذکر است مقاله پیش رو در راستای نگارش رساله دکتری بوده و همچنان در حال انجام است. به نظر می‌رسد جهت پیش برد یافته‌ها تعیین تأثیر، تفاوت در میزان رضایت از حق بر شهر به تفکیک جنسیت ارائه شود، همینطور مصاحبه‌های نیم ساخت یافته نیز به اعتبار تحقیق بیافزاید.

منابع و مآخذ

امیرآبادی، جعفر، حسومی، طاهره. (۱۴۰۰). بررسی رابطه آرایه خدمات فرهنگی شهرداری منطقه ۸ تهران با ارتقاء سطح آگاهی از حقوق شهروندی. *مطالعات مدیریت شهری*. doi: 10.30495/ums.2022.19614

پورمحمدی، م.، و روستایی، ش.، و خضرنژاد، پ. (۱۳۹۸). تحلیل حق به شهر در فضاهای عمومی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت جنسیتی. نمونه ی موردی: شهر ارومیه. *زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)*، ۱۰ (۴) (مسلسل ۴۰)، ۱۹۵-۲۲۱. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=499295>

حبیبی، سید محسن، امیری، مریم، (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد. پژوهش‌های انسان شناسی ایران: ۳۰-۹.

دولت‌شاه، صدیقه، سرور، رحیم، توکلان، علی. (۱۴۰۰). تحلیلی بر شاخص‌های زیست‌پذیری با رویکرد حق به شهر، مطالعه موردی: بندر ماهشهر. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، 13(3), 110-131.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی قزوین، (۱۴۰۱). <https://ghazvin.mporg.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=986d650d-963c-4dca-8406-45145a699617>

شارع پور، محمود، رفعت جاه، مریم، رهبری، لادن. (۱۳۹۴). جایگاه شهروندان تهرانی در نردبان آرنستاین: بررسی جنسیتی بعد مشارکتی حق به شهر، رفاه اجتماعی ۱۱، ۴ (۱۳۹۴): ۵۰-۷۸.

کاظمی، امیر، مظفری، شاهین. (۱۳۹۸). بررسی رابطه تبلیغات شهری و آگاهی از حقوق شهروندی. *مطالعات مدیریت شهری*، ۱۱ (۳۹)، ۱۸-۳۳.

معروفی، حسین، وحیدبیرجی، گل‌دیس، (۱۳۹۴)، فضا و تحقق پذیری حق شهری: شناسایی مولفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی

- Mitchell, Don. (2003), *The right to the city*. New York: Guildford Press.
- Marcuse, Peter., (2010), *Rights in Cities and the Right to the City?* in Sugranyes.A & Mathivet.CH. *Cities for All: Proposals and Experiences towards the Right to the City* book, Habitat International Coalitio, HIC.
- Newman, Isadore, Lim, Janine Monica, Pineda Fernanda., (2013), *Content Validity Using a Mixed Methods Approach: Its Application and Development Through the Use of a Table of Specifications Methodology*. *J Mixed Methods Research*.
- Pierce, Joseph., Williams, Olivia, R., Martin, Deborah, G., (2016). *Rights in places: An analytical extension of the right to the city*, *Geoforum*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.geoforum.2016.02.006>
- Pieterse, Edgar., Parnell, Susan., Haysom, Gareth., (2018) *African dreams: locating urban infrastructure in the 2030 sustainable developmental agenda*, *Area Development and Policy*, 3:2, 149-169, DOI: 10.1080/23792949.2018.1428111.
- Pindell, Ngai, (2006), *Finding a right to the city: exploring property and community in Brazil and in the United States*, *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, United States, Vol. 39 Nbr. 2, March - March 2006.
- Purcell, Mark., (2002). *Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant*. *GeoJournal* .58(2-3), 99-108.
- Purcell, Mark., (2003). *Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order*. *International journal of urban and regional research*, 27(3), 564-590.
- Varna, Georgiana M., (2011). *Assessing the Publicness of Public Places: Towards a New Model*, PhD thesis, University of Glasgow, Department of Urban Studies.
- Varsanyi, Monica., (2008), *Immigration policing through the backdoor: city ordinances, the "Right to the City," and the*
- Harvey, David. (2008) *The Right to the City*, *New Left Review*, V. 53: pp. 23–40.
- Harvey, David., Potter, Cuz., (2009)., *The right to the just city*. In P. Marcus, J. Connolly, J. Novy, I. Olivo, C. Potter
- Hancock, Claire. (2017), *claiming a right to the City of Light: Gendered violence and spatial politics in Paris*, *Cities*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2017.03.007>.
- Hérick de Sáa .Thiago., Edwardsb, Phil., Henrique Moraes Pereira, Rafael., Augusto Monteiro, Carlos, (2019), *Right to the city and human mobility transition: The case of São Paulo*, *Cities*, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.12.024>.
- Innocent, Troy. (2020). "Citizens of play: revisiting the relationship between playable and smart cities," in *Making Smart Cities More Playable*, ed A. Nijholt (Singapore: Springer), 25–49.
- Kipfer, Stefan., Saberi, Parastou., Wieditz, Thorben. (2013) *Henri Lefebvre: Debates and controversies*1, *Progress in Human Geography*, Vol.37, No.1, pp.115-134.
- Klodawsky, Fran., Blomley, Nicholas., (2009) *Introduction—Rights, Space, and Homelessness*, *Urban Geography*, 30:6, 573-576, DOI: 10.2747/0272-3638.30.6.573
- Kumar Vaddiraju, Anil., (2016), *Urban Governance and Right to the City*, *Economic & Political Weekly EPW AUGUST 6, 2016 vol II no 32*.
- Lamb, Michael. E., (2002). *Vernacular Practice and the Emergence of Policy: An Analysis of Trespassing on a Brooklyn Golf Course*. Paper presented at a conference on *Rights to the city*, Rome .May.
- Lefebvre. Henri., (1996). *Right to the City*, w: E. Kofman, E. Lebas (red.): *Writings on Cities*. Henri Lefebvre. In: Blackwell, Oxford–Cambridge .MA.
- Madden, David, Marcuse, Peter (2016). *In Defense of Housing, The Politics of Crisis*, Verso, London, newYork

یادداشت‌ها

- ¹ proportional stratified-sampling
- ² Content Validity Ratio (CVR)
- ³ Content Validity Index (CVI)Gottfredson and Hirschi
- ⁴ این نرم افزار توسط شرکت R Core Team عرضه و با صفحه به آدرس www.r-project.org در دسترس است.
- ⁵ multicollinearity
- ⁶ homogeneity
- ⁷ Durbin-Watson
- ⁸ residual
- ⁹ threshold coefficients
- ¹⁰ Chi-Square
- ¹¹ DF
- ¹² ANOVA
- ¹³ Kruskal-Wallis
- ¹⁴ pairwise.wilcox

exclusion of undocumented day laborers. Urban Geogr. 29 (1), 29–52.

W. James, Sarah., (2013), Rights to the Diverse City: Challenges to Indigenous Participation in Urban Planning and Heritage Preservation in Sydney, Australia, First Published May 10, Space and Culture, <https://doi.org/10.1177/1206331213487052>.